

قرآن به عنوان کتاب هدایت آدمی به سوی کمالات نیاشته بشری، دهریز گیرندگی دو دست از گزافه های شناختی و آموزه های دستوری است. این گزاره های شناختی و دستوری، موفقیت بشر را در هستی تبیین می کند و راه های دست یابی به موفقیت و کمالات را به وی می نمایاند.

در تحلیل قرآن ارتباط تنگاتنگی میان عمل انسان و وقایع طبیعی دیده می شود و این گونه نیست که هر یک راهی مستقل و جدا از هم را می پیمایند و رفتارها و کردارهای وی تأثیری در هستی و امور خلقی و تکوینی به جا نمی گذارد. بلکه در تحلیل قرآن نه تنها کردارهای انسان موجب اثرش و بهبودی وضعیت زیست گیاهان و جانوران را سبب می شود و پیا آن ها را در موفقیت های خطرناکی چون نیستی گونه های مختلف گیاهی و جانوری قرار می دهد بلکه حتی در تحلیل قرآن پیش ها و باورهای آدمی می تواند در بهبودی و یا نابودی محیط زیست گیاهی وج انواری موثر باشد. از سویی سخن از تأثیر زیانبار رفتارها و کردارهای بشری به میان می آورد و می فرماید: ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت یدینی الناس؛ به سبب کردارهای آدمی فساد و تباهی در خشکی ها و دریاها ظهور کرده است و محیط زیست گیاهی و جانوری دریا و خشکی در معرض خطر و نابودی قرار گرفته است و از سویی دیگر می فرماید که اگر مردمان ایمان می آوردند بر کرات زمین و آسمان ها پر ایشان فرو فرستاده می شد و آدمیان از محیط زیستی برخوردار همراه با آسایش و آرامش سود می بردند و یا با اشاره به مسئله استغفار و توبه کردن به درگاه خداوند سخن از ریزش باران ها و افزایش توانمندی به میان می آید و می فرماید: و یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یسرل الیهم السعیم مددرازا و یزدکم قوه الی توکم؛ ای ملت من چه درگاه پروردگارتان استغفار کرده و به سوی او بازگردید و توبه کنید تا آسمان باران های بسیاری را بر شما فرو فرستد و بر نیرو و توان شما بیافزاید.

در نگرش قرآن ربوبیت الهی و مقام پروردگاری خداوند عامل مهمی در افزایش و یا کاهش بارندگی شمرده شده است و هرگونه باور و کردار آدمی را یا عوامل تکوینی مرتبط می سازد. بر این اساس نمی توان گفت که هر یک از عوامل تکوینی و تشریفی راه جداگانه ای را می پیمایند و ارتباطی میان باورها و ایمان ها و یا رفتارها و کردارهای آدمی از یک سو و مسئله خشکسالی و سیل و یا زلزله و دیگر بلاهای طبیعی نیست؛ زیرا اگر به مسئله ربوبیت پروردگار توانا و قزقی توجه شود به روشنی دانسته می شود که خداوند برای هدایت بشر هر چند با تازیانه بلا و ابتلا و امتحان و ترساندن از دوزخ و مانند آن می کوشد تا آدمی را به تفکر و تدبیر اندازد و از براهه به راه آورده و از گزافه اندیشی و کزرفراری باز دارد. این نیز روست که در تحلیل قرآنی مقام ربوبیت الهی است که آدمی را دچار امتحانات و ابتلائات متعدد می سازد تا با به راه آید و یا ظرفیت ها و استعدادهای سرشته در ذات خویش را به فعلیت رساند و خود را به سوی کمالات

منصور کریم خانی

برنامه ریزی، مدیریت آب و ذخیره سازی تولید

بکشاند. مقام پروردگاری هر چند که گاه موجب می شود تا شخص در رفاة و به تعبیر قرآنی در سراء (نعمت ها و آسایش) قرار گیرد ولی گاه به ضراء (زبان ضرر) می گردد. از این رو نه وجود آسایش و نعمت نشان از کرامت و شرافت شخص است و نه ضرر و زیان دلیل بر دوری از خداوند و خوارسازی الهی می باشد. خداوند در سوره فجر و چندین آیه دیگر دیدگاهی که افزایش رفاة در شخص و یا جامعه ای را دلیل بر هدایت بودن و کرامت ایشان و یا قرار گرفتن در سختی و یا کمبود را دلیل بر اهانت و خواری او در نزد خداوند تلقی می شود را به نقد می کشد و می فرماید که هیچ یک از افزایش و یا کاهش رفاة و آسایش و یا سختی و رنج و بلا دلیلی بر خواری شخص و یا کرامت و شرافت وی در نزد خداوند ندارد؛ زیرا بسیاری از این علل و عوامل از باب آزمون و امتحان است و خداوند شخص و یا جامعه ای را به هر یک از دوگانه های متضاد می آزماید تا ظرفیت های خویش را آشکار و یا از براهه بیرون آمده و در مسیر کمالی قرار گیرند. از این رو برخی از این امور می تواند از باب تنبیه و یا تمصّر و آگاهی بخشی و تذکر باشد.

بر این اساس، شناخت این که کدام یک از ضراء یا سراء از باب تنبیه و یا تذکره و یا رحمت و نعمت بخشی است و کدام نتیجه پیامند نامل و تدبیر است. با این همه آن چنان که از آیات قرآنی به دست می آید گرفتاری جوامع به هر یک از بلاهای طبیعی و غیر طبیعی می تواند مرتبط با عمل کرد جمعی جامعه باشد.

یکی از بلاهای طبیعی که می تواند متأثر از عمل کرد و یا باورها و اعتقادات بشری باشد بلاهای خشکسالی است که در این نوشتار به آن پرداخته می شود و تحلیل خداوند از این مساله را بر اساس آیات و حجابی قرآن به دست داده می شود.

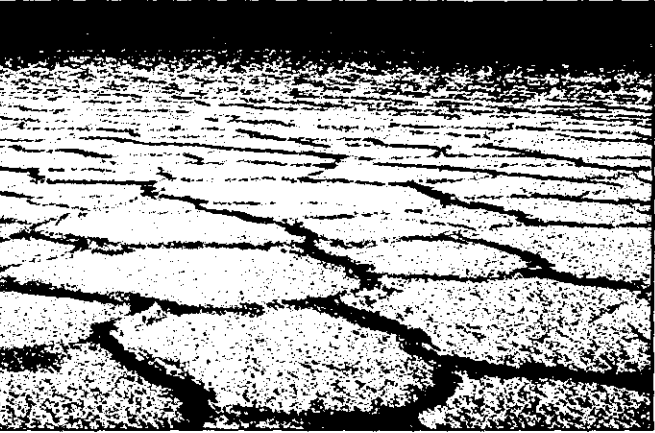
امتحان به خشکسالی
یکی از تحلیل های قرآن نسبت به بلاهای خشکسالی

می رسد تا از خشکسالی و قحطی رهایی یابد. (مجمع البیان ج ۵ و ص ۲۵۸)

شیخ طبرسی با اشاره به آیه ۱۱۲ سوره نحل که درباره گرفتاری مردمان به جامه گرسنگی و ترس مطرح شده است می نویسد: گفته شده که مقصود از قریه و آبادی که به این گرفتاری دچار شده بودند مردمان مکه بودند که خداوند آنان را به سبب کفرشان به هفت سال قحطی دچار کرده بود. (همان ص ۶۰۰)

زمخشری در کشف ۷۲ و ۷۶ سوره مؤمنون را نیز به مساله قحطی و خشکسالی مکه نسبت می دهد و نشان نزول آن را همان خشکسالی مکه می شمارد. (کشاف ج ۳ ص ۱۹۷)

بسیاری از مفسران با اشاره به آیه ۴ سوره قریش می گویند: مراد از جوع در آیه قحطی و خشکسالی بوده



پدیده خشکسالی به سبب کفر و عناد فرعونیان در عصر موسی (ع) نیز در مصر تکرار می شود و آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره اعراف به این مساله می پردازد و می فرماید: ولقد اخذنا آل فرعون بالنسین و نقص من الثمرات لعلهم یذکرون؛ ما فرعونیان را به گرسنگی و کمبود در محصولات گرفتیم و آنان را دچار قحطی و کمبود موادغذایی کردیم تا شاید آنان پند گیرند و به راه توحید و عبودیت بازگردند.

قوم عاد نیز به سبب کفر و عناد و تکدیب و رفتارهای دور از تقوای خویش گرفتار خشکسالی و قحطی می شوند که آیه ۵۲ و ۵۳ سوره هود بدان اشاره کرده است. شیخ طبرسی در مجمع البیان می نویسد: از این که حضرت هود(ع) از مردمان و ملت خویش می خواهد که از کارهای خویش استغفار کنند و به سوی خداوند بازگردند و توبه کنند تا باران بر ایشان ببارد می توان دریافت که مردم هود به سبب گناهان و کفر خویش گرفتار خشکسالی شدند. از این روست که هود می فرماید که اگر توبه نکنند خداوند حجتش را بر آنان نازل می کند و آسمان باران بر ایشان فرو

خوردند در آیه ۵۲ و ۵۳ سوره هود این علت را می رسد تا از خشکسالی و قحطی رهایی یابد. (مجمع البیان ج ۵ و ص ۲۵۸)

شیخ طبرسی با اشاره به آیه ۱۱۲ سوره نحل که درباره گرفتاری مردمان به جامه گرسنگی و ترس مطرح شده است می نویسد: گفته شده که مقصود از قریه و آبادی که به این گرفتاری دچار شده بودند مردمان مکه بودند که خداوند آنان را به سبب کفرشان به هفت سال قحطی دچار کرده بود. (همان ص ۶۰۰)

زمخشری در کشف ۷۲ و ۷۶ سوره مؤمنون را نیز به مساله قحطی و خشکسالی مکه نسبت می دهد و نشان نزول آن را همان خشکسالی مکه می شمارد. (کشاف ج ۳ ص ۱۹۷)

بسیاری از مفسران با اشاره به آیه ۴ سوره قریش می گویند: مراد از جوع در آیه قحطی و خشکسالی بوده

مطرح می سازد. از این روست که از زبان پیامبران قوم ار ایشان می خواهد تا از گناهان خویش استغفار کنند و یا بازگشت و توبه به سوی خدا از شر بلاهای مظاهر طبیعی خشکسالی برهند.

از دیگر علل و عواملی که خداوند در قرآن برای خشکسالی و قحطی بیان می کند کفران نعمت است که در آیه ۱۱۲ سوره نحل بدان اشاره شده است. به هر حال علل و عواملی چند برای خشکسالی بیان شده است که کفر به خدا و کفران نعمت و گناه از مهم ترین علل و عواملی است که در آیات قرآن بدان اشاره رفته است. فلسفه آن هر چه باشد نمی توان از پندپذیری و بازگشت به خدا در آن چشم پوشید به این معنا که خداوند مردمان را به خشکسالی می آزماید تا از براهه به راه آیند و خود را در مسیر کمالی قرار دهند.

بنابر این می توان علت مهم باران و فراوانی روزی را در ایمان و بازگشت به خدا و توبه از گناهان و رفتارها و کردارهای پسندیده و نیک حسد؛ از این روست که خداوند جامعه ای توانمند در مسیر کمالی قرار گیرد و به خدا ایمان و کردارهای پسندیده نیکی داشته باشد به عنوان جامعه نمونه یاد می کند که به سبب افزایش رزق و روزی آسمانی و زمینی در اصمیت غذایی و آرامش روحی و روانی قرار می گیرد. (نحل آیه ۱۱۲)

مبارزه با خشکسالی
با این که بر این باوریم که در تحلیل قرآنی کفر و گناه و شرک از مهم ترین علل و عوامل خشکسالی است و می تواند با استغفار و توبه به سوی خدا و انجام کردارهای نیک و صالح از بلاهای خشکسالی گریخت ولی می توان گفت هر جامعه و نظام سالم حکومتی می بایست برای مبارزه با خشکسالی افزون بر کارهای معنوی و فرهنگی کارهای دیگری را نیز در پیش گیرد. از این رو است که آیات چندی به مساله برنامه ریزی مدیریت آب و غذا پرداخته است.

از جمله برنامه ریزی برای مصون ماندن از عوارض قحطی و خشکسالی می توان به مساله برنامه ریزی در تولید و توزیع مواد غذایی (یوسف آیه ۴۶ و ۴۷) و مدیریت آب و سمدساری ذخیره سازی و تولیدات و صرفه جویی در مصرف نظارت و دخالت مستقیم دولت در تولید و توزیع مواد غذایی اشاره کرد. (یوسف آیات ۴۶ تا ۴۸)

تحلیل قرآن از مساله خشکسالی نشان می ده که نمی بایست تنها به دعا و نیایش و تقاضای نگرش بسنده کرد بلکه افزون بر فعالیت ها فرهنگی و معنوی بر همگان به ویژه بر دولتسرد به عنوان مسئولیت اجتماعی لازم و ضروری است تا برای مدیریت آب و غذا دارای برنامه باشند و د از امور پیش گفته از مسئولیت دولت نمی گاه دولت ها نمی توانند با اشاره به مساله کفران نه و یا افزایش گناه و مانند آن شانه از مسئولیت. خویش بیرون کنند.